

بیداری اسلامی و وحدت جهان اسلام؛ استاد مطهری

بیداری اسلامی و وحدت جهان اسلام؛ استاد مطهری

محمد رضا رحمت خواه

پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات جهان

چکیده

در بسیاری از کشورها موج بیداری اسلامی ایجاد گشته و روبه رشد می باشد که این بیداری نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران و تلاش های خستگی ناپذیر افرادی همچون استاد مطهری می باشد. شهید مطهری که خود دغدغه اسلام ناب و اصیل را داشت، اسلام را مهمترین عامل بیداری و جنبش علیه ستم می دانست. این پژوهش نیز بر اساس روشی تحلیلی-توصیفی و بهره جستن از کتب مکتوب و اسنادهای غیر مکتوب به بررسی نقش و جایگاه استاد شهید مطهری در بیداری اسلامی کشورهای مسلمان پرداخته است. نتایج بیانگر آن بوده که ایشان عامل اصلی بیداری اسلامی و همچنین احساس هویت و ایستادگی در برابر دشمنان و مستکبرین را بازگشت به خویشتن دانسته و اعتقاد داشتند که باید روح ایمان همراه با عمل و بازگشت

به اصالت خویشتن و روح اسلام در آحاد جامعه ایجاد شده و زمانیکه چنین امری فراهم گردید آنوقت جنبش و حرکت نیز در سرتاسر جامعه و جهان ایجاد خواهد شد. ایشان همچنین راز حیات و عامل اصلی ایجاد بیداری اسلامی و همچنین مقاوم بودن را اتحاد و همبستگی بین مسلمین دانسته و در این میان بسیار سخن ها بیان نموده اند و زمانیکه مسلمین متحد شدند و یکدل و یکصدا گردیدند آن زمان می توانند بر کلیه کیدهای دشمن غلبه کرده و موج بیداری را تلالو بخشند. همچنین استاد با بینشی روشن و آگاهانه صحنه آینده جهان مسلمین را پیش بینی نموده و بیان داشتند که دنیا در آینده به خصوص در بلوک مسلمین شاهد موج بیداری اسلامی می باشد که این بیداری نشأت گرفته از انقلاب اسلامی می باشد. البته باید بیان داشت که ایجاد انقلاب اسلامی و این موج بیداری اسلامی حاصل تلاش ها و روشنگری های این استاد فرزانه بوده است.

کلمات کلیدی: اسلام، بیداری، انقلاب اسلامی، اتحاد، اصالت، شهید مطهری.

مقدمه

در زمان ما به طور کلی در همه کشورهای اسلامی نوعی بیداری و به خود آمدگی اسلامی پیدا شده است. ملل مسلمان با سرخوردگی از معیارها و مکتب‌های شرقی و غربی به جست و جوی هویت واقعی و اصیل خود برخاسته‌اند» (مطهری، 1367: ص 57).

محیط اجتماع بشری با مجموع حوادث بزرگ و کوچکی که در آن رخ می دهد، چون دریایی پر از موج و جنبش و طوفان است. امواج این دریا به تدریج رو به وسعت می نهند و در برخورد با هم، یکدیگر را مغلوب می کنند. زنده ترین امواج اجتماعی، جنبشهای دینی است که از جوهر حیات و فطرت انسانها سرچشمه می گیرد و لذا، از نیرویی عظیم و قدرت رشد و بالندگی برخوردار است. امواج بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه که با بانگ تکبیر همراه شده، نمونه بارز این جنبشها در برهه کنونی است. آنچه مسلم است، این بیداری در میان ملتها و کشورهای اسلامی یک شبه رخ نداده، بلکه بسترهای آن از قبل آماده شده است و عالمان و متفکران زیادی تمام هم و غم خود را در جهت استقلال ملتها و احیاء تفکر دینی به کار برده اند.

استاد شهید مرتضی مطهری از جمله متفکرانی است که جان خود را در مسیر احیای دین اهدا کرد. او

تیزهوش، مسئله یاب و اهل بحث و تدبیر بود و از همان ابتدا که به کار ارشاد و تبلیغ پرداخت، دغدغه احیای دین و عزت انسانها را داشت.

شهید مطهری که خود دغدغه اسلام ناب و اصیل را داشت، اسلام را مهمترین عامل بیداری و جنبش علیه ستم می دانست و می گفت: « اسلام را نباید با ادیانی که همه محتوایشان چهارتا کلمه اندرز است مقایسه کرد. اسلام خود را در مقابل همه بدبختیهای اجتماع مسئول می داند... اسلام آمده است تا جامعه تشکیل بدهد، آمده دولت و حکومت تشکیل بدهد، رسالتش اصلاح جهان است؛ چنین دینی نمی تواند بی تفاوت باشد» (مطهری، 1386، ج20: ص223).

شهید مطهری تأکید می کرد که به وجود آمدن بیداری امری عظیم است، اما عظیم تر از آن ماندگاری این بیداری است (نسخیری، 1390). شهید مطهری معتقد است که غرب سالهاست که در پی بیخبر نگه داشتن مردم است؛ حال روشنفکران مسلمان دو وظیفه بر عهده دارند؛ یکی شناخت صحیح اسلام به عنوان يك فلسفه اجتماعي و دیگری شناخت مقتضیات زمان و تفکیک واقعیت های ناشی از تکامل علم از پدیده های انحرافی و عوامل فساد.

اسلام دینی پویا از دیدگاه استاد

استاد مطهری در کتاب «مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی»، جوانه های نظام نیرومند و ناب اسلام را شکوفا می سازد و آن را دینی زنده و مستقل معرفی می کند که حرکت جامعه ها و انسانها را به سوی استقلال و آزادی سرعت می بخشد. به گواهی تاریخ، آئین پاک اسلام به دلیل همین ویژگی، قرن به قرن پیش رفته و بر عدد پیروانش افزوده شده است.

عامل دیگر بیداری از نگاه شهید مطهری اعتقاد و بینشی است که مردم را به حرکت و نشاط و مبارزه در برابر استعمار و استکبار فرامی خواند و مشوق آنها برای برقراری عدالت و امنیت در جامعه است. اعتقادی که دین و سیاست را به هم پیوسته و مرتبط بداند، ذلت، وابستگی و زورگویی را زبینه پیروان خود نمی داند. او می گوید: « کار اساسی این است که مردم ایمان پیدا کنند که مبارزه سیاسی یک وظیفه شرعی و مذهبی است. تنها در این صورت است که تا رسیدن به هدف از پای نخواهند نشست» (مطهری، 1386، ج24: ص36). غرب - منظور تمام ابر قدرت ها است - از یک چیز وحشت دارد و آن بیداری خلق مسلمان است.

امواج زنده همانهاست که از جوهر حیات سرچشمه می‌گیرد. مسیرشان مسیر حیات و جهتشان رقا و تکامل است. پاره ای از نهضت‌های فکری، علمی، اخلاقی و هنری از آن جهت جاوید می‌مانند که خود زنده اند و از نیروی مرموز حیات بهره‌مندند. زنده‌ترین امواج اجتماعی، امواج و جنبش‌های دینی است. پیوند این امواج و این نهضت‌ها با جوهر حیات و فطرت زندگی از هر چیز دیگر اصیلتر است. در هیچ حرکت و هیچ موج دیگر این اندازه نیروی حیات و قدرت رشد و بالندگی وجود ندارد (مطهری، 1385: 24).

قرآن کریم خاصیت رشد و نمو جنبش اسلامی را چنین توصیف می‌کند:

... و مثل آنها در انجیل مثل زراعتی است که اول فقط سبزه نازکی از آن از زمین بر می‌دمد، پس خداوند او را نیرومند می‌سازد، آنگاه ستبر می‌گردد، پس روی تنه خویش می‌ایستد، رشد و نمو سریع و سبزی و خرمی این زراعت موجب شگفتی همه کشاورزان می‌شود، تا خداوند کافران و بدخواهان را به خشم آورد. (فتح/ 29).

تفکر بیداری اسلامی شهید مطهری و دیگر بزرگان

بیداری اسلامی در همه جغرافیای ملل مسلمان و نفي ناسیونالیسم غیرمنطقی را از دل مشغولی‌های اصلی شهید مطهری می‌باشد. استاد همواره در بحث بیداری اسلامی از افرادی همچون کواکبی و سیدجمال الدین اسدآبادی یاد می‌کرد و با به کارگیری واژه ملت واحده اسلامی همواره نگران اندیشه‌های تفرقه افکنانه بود (لاریجانی، 1391).

نقش تفکر شهید مطهری در نگاه‌داری حرکت بیداری اسلامی گسترده و نزدیکی عجیب فکری میان شهید مطهری و شهید صدر وجود دارد. به رغم اینکه این دو شخصیت شاید با یکدیگر دیدار هم نکرده بودند اما تقارب فکری عجیبی میان آنها وجود داشت و آنها در تاریخ‌های نزدیک به هم به شهادت رسیدند (تسخیری، 1390).

امام نظریه اسلام سیاسی را ارائه کرد اما استاد شهید مطهری پردازش‌کننده آن بود. اندیشه‌های استاد به این معنا پرداخته است که اسلام سیاسی است و هیچ بن بست‌ی در آن وجود ندارد. همچنین ختم رسول الهی و ختم ادیان با دین اسلام نیز نشان‌دهنده این است که اسلام را باید در تمام ابعاد زندگی بشری مورد توجه قرار داد (اسلامی، 1390).

شهید مطهری که اقبال را از طلایه‌داران بیداری اسلامی می‌داند، در وصف او می‌گوید: این ناله اقبال لاهوری است که چون نسیم سحری دل‌های خفته و وجدان‌های متفرق مسلمانان را بیدار می‌کند و رسالت خدمت‌گزاری بمنت خلق خدا و بشارت آزادی و آزادگی نوع بشر را به یاد آن‌ها می‌آورد: این غنچه خوابیده چون نرگس نگران خیز / کاشانه ما رفت به تاراج غمان خیز از ناله مرغ سحر، از بانگ اذان خیز / وز گرمی هنگامه آتش نفسان خیز از خواب گران، خواب گران، خواب گران‌خیز دریای تو دریاست که آسوده چو صحراست؟! / دریای تو دریاست که افزون نشد و کاست؟! بیگانه آشوب و نهنگ است چه دریاست؟! / از سینه چاکش صفت موج روان خیز از خواب گران، خواب گران، خواب گران‌خیز فریاد از افرنگ و دلاویزی افرنگ / فریاد ز شیرینی و پرویزی افرنگ عالم همه ویرانه ز چنگیزی افرنگ / معمار حرم، باز به تعمیر جهان خیز از خواب گران، خواب گران، خواب گران‌خیز

همبستگی و اتحاد جوامع اسلامی راز حیات و بیداری اسلامی

استاد مطهری اتحاد و همبستگی جامعه را از علایم حیات جامعه می‌داند و می‌گوید: کلید بازگشت یکی از علائم حیات یک جامعه این است که همبستگی میان افرادش بیشتر است. متلاشی شدن و متفرق شدن و جدا شدن اعضا از یکدیگر خاصیت مردگی است. خاصیت زندگی یک اجتماع به همبستگی و پیوستگی بیشتر اعضا و جوارح آن اجتماع است. حال آیا جامعه اسلامی امروز یک جامعه زنده است یا یک جامعه مرده؟ به این دلیل که مسلمانان بیشتر به جان یکدیگر می‌افتند و بیشتر تلاششان صرف جنگ و دعوا با خودشان و اختلاف داخلی خودشان می‌شود و در نتیجه دشمن زیرک استفاده می‌کند، آن‌ها مرده هستند! چه تعبیر رسایی وجود مبارک رسول اکرم (ص) دارد، می‌فرماید: مثل مردم با ایمان، آنهایی که زنده به ایمان‌اند، آنهایی که مصداق «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذََا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» هستند. مطهری (ره) معتقد است که مثل مؤمنان در همدلی، در دوست داشتن یکدیگر، در عاطفه داشتن نسبت به یکدیگر، در همدردی نسبت به یکدیگر، در علاقه‌مند بودن به سرنوشت یکدیگر، مثل پیکر زنده است که اگر عضوی از آن بدرد آید سایر اعضا با این عضو همدردی می‌کنند.

شهید همواره بر این نکته تاکید داشت که امت واحده اسلامی باید با اتحاد و همدلی به مقابله با استعمار برخیزد (لاریجانی، 1391).

احساس شخصیت مهم ترین نکته در بیداری جامعه

برای حرکت و پویایی و بیداری یک جامعه، مهمترین نکته ای که شهید مطهری بر آن تاکید دارد، مساله

احساس شخصیت است. اگر ملّتی احساس شخصیت نکند، هیچگاه دست به قیام و انقلاب نخواهد زد. ایشان می گوید: «از این سرمایه بالاتر برای اجتماع وجود ندارد که در خود احساس شخصیت و منش کند، برای خود ایده آل داشته باشد و نسبت به اجتماع های دیگر حس استغنا و بی نیازی کند. بالاترین سرمایه این است که یک اجتماع بداند برای خودش فلسفه مستقلی در زندگی دارد و به آن افتخار و مباهات کند. اساساً حفظ حماسه در اجتماع در این است. وای به حال آن اجتماعی که این حس را از دست بدهد» (مطهری، 1386 ج 17: ص 16).

مسأله احساس شخصیت مسأله بسیار مهمی است. از این سرمایه بالاتر برای اجتماع وجود ندارد که در خودش احساس شخصیت و منش کند، برای خودش ایده آل داشته باشد و نسبت به اجتماع های دیگر حس استغنا و بی نیازی داشته باشد، يك اجتماع اینطور فکر کند که خودش و برای خودش فلسفه مستقلی در زندگی دارد و به آن فلسفه مستقل زندگی خودش افتخار و مباهات کند، و اساساً حفظ حماسه در اجتماع یعنی همین که اجتماع از خودش فلسفه ای در زندگی داشته باشد و به آن فلسفه ایمان و اعتقاد داشته باشد و او را برتر و بهتر و بالاتر بداند و به آن ببالد. وای به حال آن اجتماعی که این حس را از دست بدهد! این يك مرض اجتماعی است (همان، 53).

حیات ملت به این است که آن ملت شخصیتی را در خودش احساس کند. ای بسا ملت های عالم که شخصیت ندارند، وای بسا ملت های جاهل که شخصیت خودشان را حفظ کرده اند. اگر الجزایرها بعد از صد و پنجاه سال مبارزه توانستند استعمار فرانسه را به زانو درآورند و به استقلال برسند، برای این بود که در آنها يك حماسه و يك احساس منش وجود داشت. اگر در آن طرف مشرق زمین، ملت دیگری دارد با قویترین و ثروتمندترین ملت های جهان مبارزه میکند، چرا مبارزه میکند؟ آیا عدد یا ثروتش با آنها مبارزه میکند؟ ابداً؛ احساس شخصیت و منش آن ملت مبارزه میکند، میگوید: من تو را به آقای قبول ندارم، من یا باید زنده باشم روی پای خودم باشم و کسی بر من حکومت نکند و یا باید نباشم (همان، 58).

«بعضی روحیه ها فاقد حماسه اند و بعضی دارای حماسه اند، و گفتیم که حماسه، نوعی احساس شخصیت است در مقابل دیگران افرادی هستند در دنیا عاری و خالی از حماسه؛ در خود، همه احساس حقارت و تبعیّت و شکست خوردگی میکنند، هیچ فکر و عقیده قابل دفاعی در روح آنها وجود ندارد، اگر دفاع کند فقط از مال و جان خود دفاع میکنند، اما چیز دیگر قابل تعلق و قابل دفاعی ندارد از وطن و قومیت و نژاد و زبان و دین و آئین و حریت و کرامت ذات» (همان، 636).

«بزرگترین هدیه ای که يك رهبر به ملتش میتواند بدهد «ایمان به خود» است، یعنی آن ملت را به خودش

مؤمن کند. يك رهبر ممکن است هدیه‌ای که به مردمش می‌دهد هدیه مادی باشد، ممکن است هدیه سیاسی باشد، استقلال سیاسی به ملت خودش بدهد. ممکن است ایمان به رهبر باشد یعنی ملت معتقد شود که رهبر ما رهبر خیلی بزرگی است. ولی اینها آنقدر مهم نیست که هدیه‌ای که يك رهبر به ملتش می‌دهد این باشد که این ملت را به خودش مؤمن و معتقد کند که بگوید من نباید زیر بار دشمن بروم، زیر بار استبداد بروم، زیر بار استعمار بروم، من از خودم تاریخ دارم، از خودم فرهنگ دارم، من هیچ احتیاجی ندارم که از غرب الگو بگیرم» (مطهری، ج 24: ص 217).

اگر شوق بیدار شود و خود اسلامی خود را کشف کند، در آن صورت حتی بمب اتمی هم از پس نیروی عظیم و این توده، به پا خاسته بر نخواهد آمد. راه این بیداری، آشنایی با تاریخ و فرهنگ و ایدئولوژی خودمان است» (مطهری، 1367: ص 122).

نقش کتب استاد مطهری در بیداری اسلامی منطقه

مايه فكري تحولات عظيم بیداري اسلامي از انگیزه هاي پاك و خالصانه اين متفكرين بزرگ گرفته شده است. امروزه كتاب هاي استاد شهيد مطهری به زبان هاي مختلف ترجمه و به اقصي نقاط جهان و تمامي مراكز فرهنگي ارسال شده است، علاوه بر اين كتاب ها، مي توان از كتاب هاي برجسته مرحوم علامه طباطبائي و مرحوم آيت الله صدر نیز به عنوان کتب نمونه در زمينه اسلام و تشيع نام برد به عنوان مثال كتاب هايي مانند نور و عافيت در رگ هاي فكري جهان جاري است و همه به اين كتاب ها استناد مي کنند. شهيد مطهری نیاز روز جامعه را به خوبی و دقیق تشخیص مي داد و به عنوان مثال زماني براي کودکان كتاب مي نوشت و زماني نیز پاسخ مقالات ضد اسلامي را مي داد، در زماني نیز با اين که استاد بزرگ حوزه بود، حوزه را ترك کرد و مشغول تدریس در دانشگاه الهيأت شد تا بتواند ارتباط میان حوزه و دانشگاه را برقرار کند. كتاب هاي شهيد مطهری، صدر، امام خميني "ره" و مرحوم شهيد بهشتي از عوامل اصلي روشننگري براي آغاز انقلاب اسلامي ايران بوده است و اين كتاب ها نیازهاي فكري جهانيان را تامين کرده است و بالاترين خدمتي که به اسلام انجام گرفت خدمت اين متفكران بوده است (تسخيري، 1391).

حرکتهای جهان اسلام از برخی کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری الهام گرفته است. تالو این کتابها در جهان اسلام تأثیر داشته و چنین نتیجه ای را رقم زده است (اسلامی، 1390).

الگو بودن بیداری اسلامی برای سایر انقلاب ها

الگوگیری از سایر انقلابها، نکته ای مهم برای جوامع بحران زده است. از نگاه شهید مطهری این بعد اهمیتش از دو بعد دیگر کمتر نیست؛ چرا که ممکن است جامعه ای احساس شخصیت کند و سیاست را جزو دین خود بداند، ولی به دلیل فضای ناسالم و یا ترسها و دلهره ها موفق به بیداری و انقلاب نشود. اینجاست که وجود یک الگوی موفق، مردم را به قیام و مبارزه برمی انگیزد. وقتی ببینند ملّتی راهی را با همه دشواری ها ادامه داده و در مقابل سختی ها جهاد نموده و موفق بیرون آمده است، این حرکت را دلگرم کننده می دانند و قدم در راه آن ملّت الگو می گذارند.

وجود قیام‌های اسلامی به خوبی نشان داد که افرادی همچون شهید مطهری با آگاهی و امیدبخشی به مردم در قلم و بیانشان، همواره ترسیم راه درست برای مردم را در نظر داشته‌اند. این از ویژگی‌های شهید مطهری بوده که قلم، زبان و بیانی آینده‌نگر و امیدبخش برای جامعه را در پیش گرفته بود. چنانکه پس از حرکت انقلابی مردمی ایران با رهبری امام(ره)، امروز هم به خوبی می‌توان نقش تفکرات استاد مطهری را در بیداری جوامع اسلامی مشاهده کرد.

با تأثیر این قلم و تفکر، پررنگ شدن رنگ بیداری اسلامی برخی ملت‌ها همچون مصر، لیبی، تونس و... به نحوی است که حتی شعارها، نمادها و حرکت آنان در مسیر انقلابی‌شان، جلوه‌ای اسلامی به خود گرفته و این نتیجه همان هشدارهایی است که فردی چون شهید بزرگوار در آثارشان پیش‌بینی کرده بود. اینک آثار شهید مطهری و افرادی این چنین سرمایه‌ای برتر برای بیداری و بروز نهضت‌های اسلامی است، تفکر شهید مطهری بهترین پشتوانه قیام مردمی علیه استکبار جهانی است. چنانکه پس از چندین سال، تازگی و زنده بودن خود را حفظ کرده و همه می‌توانند با توجه به آن، معانی و خواسته‌های اسلام را درک کنند.

از خصوصیات علمای اسلام همین است که آینده‌نگر بوده و به طور معمول پیش‌بینی آنها برای آینده بشریت است تا این چنین به ترسیمی از واقعیت برای مردم بپردازند. با توجه به لزوم حفظ و ترویج تفکر شهید مطهری در میان مردم، اولین چیزی که برای همه نیاز است مسئله توحید خواهد بود که به مراتب و به خوبی در آثار شهید مطهری روی آن کار شده و براین اساس برای خداشناسی چه منبعی بهتر از آثار و کتب این شهید بزرگوار. محوری چون استکبارستیزی، بارها در آثار شهید تبیین و تفسیر شده که این امر باید مدنظر مسلمانان قرار گیرد و البته می‌توان بیش از پیش ترویج آن را به سطوح علمی کشاند. همچنین این قضیه از جمله مباحثی است که امروزه بدان نیاز بیشتری احساس می‌شود.

شهید مطهری معلم بزرگی است که منادی بیداری اسلامی در قلوب ملت‌های مسلمان از جمله مردم ایران بود و به ضرس قاطع می‌توان گفت بخش مهمی از نظام واره معرفت دینی در ایران بخصوص پس از پیروزی انقلاب

اسلامی مرهون و مدیون تلاشهای فکری و از خودگذشتگی‌های مستمر او در ترویج و تبلیغ اندیشه ناب اسلامی است. استاد شهید مرتضی مطهری (ره) به عنوان ثمره یک عمر مجاهدت علمی بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی (ره)، اسلام شناسی حاذق، دیده‌بانی بصیر، فیلسوفی خلاق و مبارزی در متن جامعه بود. امروز زمانه مطهری است که امواج بیداری اسلامی چه در داخل و چه در خارج از کشور از شمال آفریقا تا سواحل مدیترانه تا کشورهای حاشیه خلیج فارس را به لرزه درآورده است.

پیش بینی شهید از ایجاد موج بیداری اسلامی در منطقه

بی‌شک اندیشه‌های زلال نشأت گرفته از مبانی دینی شهید مطهری نقشی بسزایی در بیداری اسلامی و خیزش‌های دینی ملت‌های مظلوم منطقه خاورمیانه که اینک شاهد آنیم، داشته و دارد.

استاد مطهری با نگاه تیزبین خود که گویا تحولات امروز جهان را پیش بینی می نماید، می گوید: « من کم‌کم باورم آمده که این انقلاب اسلامی به ایران محدود نمی‌ماند، میلیونها جمعیت مسلمان را در بر خواهد گرفت و چه افتخاری برای ایران خواهد بود که یک انقلابی اسلامی از ایران شروع شود و تمام کشورهای اسلامی را زیر نفوذ خود بگیرد، که خواهد گرفت» (مطهری، 1386، ج24: ص132).

شهید مطهری بیش از ۳۰ سال قبل، وقوع نهضت‌های امروزی را در منطقه به دنبال انقلاب اسلامی ایران پیش‌بینی کرده بود: « در کشورهای آفریقایی نوین‌یاد و نیز در کشورهای عربی تحت استعمار، اسلام به صورت ایدئولوژی نهضت و قیام محرومین درآمده است.

نتیجه

در طول تاریخ همواره افرادی بوده اند که دغدغه بشری و سونوشت آنان در ذهن و روان آنها بوده است و همواره در به راه راست کسیدن بشریت در محدوده زندگی خود و حتی فراتر از آن تلاش‌های بسیاری را مبذول داشته اند. در این میان جهان اسلام افراد بسیار شاخصی را در دامان خود پرورانده که همیشه در برابر زورگویی و استبداد مقاومت نموده و ندای اسلام ناب را سر داده اند که از این افراد می توان به شهید مطهری و امام خمینی (ره) اشاره داشت. استاد شهید مطهری کلیه تلاششان و دغدغه ایشان اسلام و زنده کردن اسلام ناب بوده است و در این میان از هیچگونه تلاشی غافل نمانده و نه تنها پیام خود را در ایران نگسترانیده، بلکه این پیام را به کلیه جهان با انتشار کتب خود و همچنین ترجمه آنها توسط دستدارانش نیز گسترانیده است. ایشان عامل اصلی بیداری اسلامی و همچنین احساس هویت و ایستادگی در

برابر دشمنان و مستکبرین را بازگشت به خویشتن دانسته و اعتقاد داشتند که باید روح ایمان همراه با عمل و بازگشت به اصالت خویشتن و روح اسلام در آحاد جامعه ایجاد شده و زمانیکه چنین امری فراهم گردید آنوقت جنبش و حرکت نیز در سرتاسر جامعه و جهان ایجاد خواهد شد.

ایشان همچنین راز حیات و عامل اصلی ایجاد بیداری اسلامی و همچنین مقاوم بودن را اتحاد و همبستگی بین مسلمین دانسته و در این میان بسیار سخن‌ها بیان نموده‌اند و زمانیکه مسلمین متحد شدند و یکدل و یکصدا گردیدند آن زمان می‌توانند بر کلیه کیدهای دشمن غلبه کرده و موج بیداری را تلالو بخشند. همچنین استاد با بینشی روشن و آگاهانه صحنه آینده جهان مسلمین را پیش‌بینی نموده و بیان داشتند که دنیا در آینده به خصوص در بلوک مسلمین شاهد موج بیداری اسلامی می‌باشد که این بیداری نشأت گرفته از انقلاب اسلامی می‌باشد. البته باید بیان داشت که ایجاد انقلاب اسلامی و این موج بیداری اسلامی حاصل تلاش‌ها و روشنگری‌های این استاد فرزانه بوده است.

پی‌نوشت

1. اسلامی، محسن، 1390، نقش آرای شهیدمطهری در بیداری اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی خوز نیوز، اردیبهشت.

2. تسخیری، محمد علی، 1391، متفکرانی مانند شهید مطهری؛ یکی از عوامل بیداری اسلامی، خبرگزاری تقریب، اردیبهشت ماه.

3. تسخیری، محمدعلی، 1390، نقش آرای شهید مطهری در بیداری اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی خوز نیوز، اردیبهشت.

4. قرآن کریم.

5. لاریجانی، علی، 1391، بیداری اسلامی، مهمترین خواسته شهید مطهری، پورتال جامعه‌ی سیاسی، اردیبهشت ماه.

6. مطهری، مرتضی، 1364، سیری در سیره نبوی استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، قم.

7. مطهری، مرتضی، 1367، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، قم.

8. مطهری، مرتضی، 1386، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد 17، انتشارات صدرا، قم.

9. مطهری، مرتضی، 1386، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد 20، انتشارات صدرا، قم.

10. مطهری، مرتضی، 1386، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد 24، انتشارات

صدرا، قم.